

واکاوی ضرورت فقه‌ها در سفیر دولت اسلامی

محمدصادق آسیم

(پژوهشگر و کارشناسی ارشد فقه سیاسی)

احمد رهدار

عضو هیات علمی دانشگاه باقرالعلوم (ع)

چکیده

مقتضای فقه‌محوری دولت اسلامی در عرصه غیبت این است که کارگزاران آن در سطوح مختلف از جمله کارگزاران ارشد نظام نسبتی وثیق با فقه برقرار نمایند. ایده سفیر فقیه بر پایه نظریه اجتهاد سازمانی تأکید می‌کند که مدیران ارشد دولت اسلامی باید در حیطه وظایف و دخالت در امور از فقه‌ها و تخصص موضوعی و حکمی در مسأله برخوردار باشند. بر این اساس، با کاوش فقهی به دنبال یکی از مهم‌ترین صفات سفیر دولت اسلامی هستیم و با بررسی متون اسلامی درصدد اثبات فقه‌ها در نماینده سیاسی دولت اسلامی می‌باشیم. ایده سفیر فقیه مبتنی بر دیدگاه فقه‌محوری حداکثری اداره امور زندگی بشر بنا نهاده شده است و دیدگاه عرف‌محور در اداره امور سیاسی اجتماعی را به چالش می‌کشد. این ایده مبتنی بر رویکرد حداکثری به فقه حکومتی در ساحات زندگی بشری به دنبال طراحی کردن نظام فقهی در تمامی مراحل زندگی بشر است. نظریه تقلیل‌گرایی در مقابل مبتنی بر متعهد بودن و آشنایی حداکثری اسلامی مدیران دولت اسلامی در حیطه مسئولیت آن‌ها شکل گرفته است.

واژگان کلیدی: سفیر، فقیه، فقه‌ها، دولت اسلامی، فقه دولت اسلامی

مقدمه

تحقق اهداف اسلامی در الگوی امامت و امت با پیمودن مراحل پنج‌گانه انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن اسلامی صورت می‌گیرد. دولت اسلامی سومین مرحله این الگو است که با توجه به مبانی اسلام شکل می‌گیرد و رفتار و منش مسئولین را مطابق با قرآن و سنت برنامه‌ریزی می‌کند. ارتباط با کشورهای دیگر، یکی از مسائل مهم دولت اسلامی بوده که وزارت خارجه در دولت اسلامی عهده‌دار بخش مهمی از این ارتباطات، در قالب رسمی است. سفیر دولت اسلامی، به عنوان نماینده مستقر دولت اسلامی در سرزمینی دیگر نقشی اساسی در تصمیم‌گیری یا تصمیم‌سازی ناظر به منافع دولت اسلامی دارد. ضرورت مشروعیت تصمیمات دولت اسلامی و حفظ منافع آن، ویژگی‌های خاصی را برای متصدیان این منصب ترسیم می‌نماید. همت این مقاله بر این مسأله استوار است که افزون بر ویژگی‌های موجود آیا شرط فقاہت می‌تواند به‌عنوان شاخص مشروعیت تصمیمات برای متصدیان این منصب ضروری باشد؟

مزیت اجتهاد سازمانی در مقابل نظریه بدیل آن در چند حیظه از جمله فراگیری مسائل اجتماعی و ابعاد مختلف مسئولیت‌ها و پیشامدهای مختلف یک فرد، که در یک فتوا نمی‌توان به همه آن‌ها پرداخت، قابل بررسی است. علاوه بر اینکه آشنایی حداکتری به مسئولیت کاری از مهم‌ترین مقومات کارآمدی به حساب می‌آید. نظریه اجتهاد سازمانی در همه حیظه‌های حکومتی قابل طرح است، ولی به جهت اهمیت امور بین‌الملل و تعدد متغیرها و نیاز اساسی به تصمیم در صحنه سفیر این نیاز بیش از پیش نمایان و اهمیت طرح پیدا می‌کند.

چالش نظریه اجتهاد سازمانی عدم وحدت رویه می‌باشد که در ایده سفیر فقیه به دو صورت قابل حل می‌باشد: روش اول کثرت و پیچیدگی مسائل بین‌المللی عدم التزام به وحدت رویه در ساحات جهانی را نشان می‌دهد و پایبندی فقها به اصول و اهداف اسلامی در موضوعات پیچیده نشانگر چارچوبی برای این وحدت رویه است. روش دوم مزیت نسبی کارگزار فقیه نسبت به کارگزار غیرفقیه است که در سنجش کارآمدی سفیر دولت اسلامی گزینه اول برتری می‌یابد.

موضوع واکاوی ضرورت فقاہت سفیر، پیشینه خاصی نداشته و از این جهت دارای نوآوری است. نهایت این‌که پی‌گیری مسائل دولت اسلامی در عرصه بین‌الملل با دو مبنای نظری عرف‌گرا

و فقه‌محور مواجهه است؛ این مقاله ضمن پذیرش مبنای فقه‌محور و روش اجتهادی تلاش دارد با کاوشی فقهی پاسخگویی مسأله پیش گفته باشد.

۱. مفهوم‌شناسی

شناخت مفاهیم کلیدی بحث کمک افزونی به تصدیق بحث می‌کند. سفیر از جمله مفاهیم مورد بحث می‌باشد که با بررسی پیشینه آن و مصطلحات امروزی این واژه در عرصه دیپلماسی همراه است. واژه فقاہت و فقیه در معنای لغوی، روایی و مصطلح کتب اصولی به معانی مختلفی قابل تطبیق می‌باشد. رویکرد حکومتی و حداکثری علاوه بر مدیریت و کفایت سیاسی از جمله مختصات فقیه مورد بحث می‌باشد. دولت اسلامی دارای معنای منتخب با اهدافی معین است و ویژگی‌هایی را برای کارگزاران خود ترسیم می‌کند.

۱.۱. سفیر

سفیر از واژه سفر اخذ شده است. این واژه در لغت به معنای کشف حقیقت و پرده برداشتن و آشکار کردن بوده (احمدبن فارس، ۱۴۰۴، ۳: ۸۲؛ قریشی، ۱۴۱۲، ۳: ۲۷۱) و به معنای فرستاده‌ای از جانب قومی برای روشنگری و رفع ابهامات دیگر اقوام می‌باشد. رسول، پیک و میانجی از دیگر معانی سفیر است (معین، ۱۳۵۶، ۲: ۷۶۹؛ دهخدا، ۱۳۶۳، ۸: ۱۲۰۵). پی‌جویی واژه سفیر ما را با کاربردهای متعدد آن مواجه می‌سازد: آورنده وحی و شریعت از طرف خداوند متعال در برخی تعبیر به عنوان سفیر تلقی شده است (شیخ طوسی، ۱۴۱۱، ۲: ۷۶۶؛ سید بن طاووس: ۱۴۱۵، ۳: ۱۲۹)؛ فقها به پیک بیع و عقد نیز عنوان سفیر اطلاق می‌نمودند (علامه حلی، ۱۴۱۴ ق: ۶۰۱؛ ممقانی، ۱۳۱۶ ق: ۳، ۳۵۱؛ صاحب جواهر، ۱۴۰۴ ق: ۳۰، ۳۶۲؛ محقق ثانی، ۱۴۱۴ ق: ۱۳، ۲۸۲). پادشاهان و درباریان نیز مأمورین صلح و سخنگوی پادشاه را سفیر می‌نامیدند (ابن‌فراه، ۱۳۶۳: ۱۴۳). عنوان سفیر در متون روایی برای نواب اربعه و برخی وکلای سرشناس عصر غیبت استعمال شده است (جباری، ۱۳۸۲: ۱، ۳۶).

سفیر در اصطلاح سیاسی معاصر، نماینده دولت فرستنده در نزد دولت پذیرنده است. در واقع به بالاترین نماینده و مقام رسمی یک کشور نزد کشور دیگر یا سازمان بین‌المللی پذیرنده، سفیر اطلاق می‌گردد (نوازی، ۱۳۹۴: ۶۸). براساس این تعریف، سفیران به عنوان مأموران دیپلماتیک

افرادى هستند که به نمایندگی از طرف دولت خود و به دستور وزارت خارجه خویش به کشورهای دیگر اعزام و اجرای سیاست دولت خود در ارتباط با این کشورها را برعهده دارند.

انتخاب سفیر با پیشنهاد وزارت خارجه و تأیید بالاترین مقام اجرایی کشور یعنی ریاست جمهوری صورت می‌گیرد و همه تعاملات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی در سطح نیابت از این مقام انجام می‌شود. سفیر رئیس نمایندگی دیپلماتیک تلقی گردیده و مسئولیت اداره امور داخلی سفارت را دارد و موظف به تماس دائم با کشور فرستنده از یک سو و کشور پذیرنده از سوی دیگر است (پور امینی، ۱۳۹۳: ۸۶). البته سفیر به نمایندگان مستقر در کشور میزبان و نمایندگان سیار (آکردیته) که عهده‌دار مأموریت خاصی در مجامع بین‌المللی هستند نیز تقسیم می‌شوند که در این نوشتار تمرکز بر قسم اول نهاده شده است. رایزن و کاردان در سمت‌های پایین‌تر به عنوان جانشین و کمک‌کارهای سفیران تلقی می‌شوند که با توجه به مسئولیت‌های کاری به انواع مختلفی تقسیم می‌شوند.

۱،۲. فقاہت

فقاہت یکی از مصادر واژه فقه به معنای علم و فهم باتأمل است (عسگری، ۱۴۰۰ ق: ۸۰) و فقیه به عالم و فهمیده اطلاق می‌گردد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۶۴۲). این واژه در اصطلاح به عالم شریعت به معنای کسی که فهم عمیق از شریعت پیدا نموده صورت می‌گیرد (طریحی، ۱۴۱۶ ق: ۶، ۳۵۵؛ واسطی، ۱۴۱۴ ق: ۱۹، ۷۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ ق: ۱۳، ۵۲۲). فقیه در روایات به عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان نظام دینی شناخته می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۱، ۳۸) و ائمه اطهار همواره به فهم عمیق در دین تأکید می‌کنند (برقی، ۱۳۷۱ ق: ۱، ۲۲۸) و افرادی که در مقابل انبیاء بوده‌اند، کسانی بودند که فهم درستی از دین نداشته و قرآن از آنان به غیر فقیه تعبیر می‌کند (نساء، ۴: ۷۸؛ اعراف، ۷: ۱۷۴؛ انفال، ۸: ۶۵؛ توبه، ۹: ۸۷؛ حشر، ۵۹: ۱۳؛ منافقون، ۶۳: ۷).

فقیه در مصطلح اصولی به معنای کسی که تمام سعی و کوشش خود را در فهم شریعت به کار برده است تا بتواند حکم الهی را از آیات و روایات به صورت تفصیلی به دست آورد (عاملی، ۱۴۱۸ ق: ۲۳۸). رابطه وثیق فقیه با تلاش و کوششی که برای به دست آوردن حکم شرعی می‌کند سبب جایگزینی کلمه مجتهد نیز شده است.

اجتهاد یکی از واژگان مشابه فقاہت است که به معنای تلاش و کوششی است که شخص برای به دست آوردن حکم شرعی به کار می‌بندد. اجتهاد، در لغت به معنای پذیرش جُهد یعنی پذیرش سختی یا به معنای پذیرش جُهد یعنی وسع و توان است. البته این دو ماده به یک معنی است و هر دو تلاش همراه با سختی را می‌گویند (فیومی، ۱۴۱۴ ق: ۱۱۲؛ قریشی، ۱۴۱۲ ق: ۲، ۷۷؛ فراهیدی، ۱۴۱۰ ق: ۳، ۳۸۶). اجتهاد به کار بستن تمامی تلاش و کوشش برای به دست آوردن حکم شرعی از منابع اسلامی است. (نجفی، ۱۳۸۱ ق: ۱، ۷۶؛ فیروزآبادی، ۱۴۰۰ ق: ۲۴۰؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴ ق: ۲، ۴۳). اجتهاد قدرت بررسی، تجزیه و تحلیل و استنباط دستورات دین از منابع فقه با آگاهی دقیق و عمیق از آن منابع و آشنایی به اصول و قواعد استنباط است. بر این اساس، «مجتهد» کسی است که توان علمی او به حدی است که می‌تواند با کوشش و تلاش احکام دین را از قرآن و سنت معصومین (ع) و عقل و اتفاق نظر علمای اسلام به دست آورد.

عناصر اصلی روش اجتهادی ما را با دستگاه فکری فقیه برای مدیریت فقهی آشنا می‌سازد. اجتهاد شرعی که مورد قبول دین واقع شده است، مبتنی بر کتاب و سنت و عقل و اجماع و با روش عقلی محکم و دور از استحسان و قیاس است و در این فرایند از علم اصول که بنای اصلی در فهم متون شرعی را به صورت کلی به ما می‌دهد، استفاده می‌شود. فقیه در عملیات اجتهاد به عناصر زمان، مکان، مصلحت، ضرورت و حفظ نظام مسلمین توجه نموده و بر این اساس نظام دینی را استنباط و استخراج می‌نماید.

منظور ما از فقه حکومتی که فقیه براساس آن به اجتهاد و استنباط می‌پردازد، به معنای سرپرستی جامعه در مسیر اقامه توحید است. در این معنی از فقه حکومتی حکومت به‌مثابه اصل در جمیع احکام گرفته شده است و هدف حکومت تربیت توحیدی انسان براساس آموزه‌های دینی می‌باشد. لذا فقیه کسی است که علاوه بر شناخت کل اسلام و جامعیت دینی دارای کفایت مدیریتی و سیاسی جهت اداره جامعه و سرپرستی مؤمنین داشته باشد. لذا در این خصوص مجتهد باید با چالش‌های مقام اجرا و روش رفع و دفع آن‌ها آگاه باشد. حضرت امام خمینی در منشور روحانیت به این مهم تأکید می‌کند و می‌فرماید:

آشنایی با روش برخورد با حیل‌ها و تزویرهای فرهنگ حاکم بر جهان، داشتن بصیرت و دید اقتصادی، اطلاع از کیفیت برخورد با اقتصاد حاکم بر جهان، شناخت سیاست‌ها و حتی سیاسیون

و فرمول‌های دیکته شده آنان و درک موقعیت و نقاط قوت و ضعف دو قطب سرمایه‌داری و کمونیسم که در حقیقت استراتژی حکومت بر جهان را ترسیم می‌کنند، از ویژگی‌های یک مجتهد جامع است. یک مجتهد باید زیرکی و هوش و فراست هدایت یک جامعه بزرگ اسلامی و حتی غیراسلامی را داشته باشد و علاوه بر خلوص و تقوا و زهدی که در خور شأن مجتهد است واقعاً مدیر و مدبر باشد (امام خمینی، ۱۳۶۹: ۲۱، ۲۸۹).

در نتیجه آنچه از فقیه در این مقاله مدنظر می‌باشد، عالم به احکام دین که قدرت استنباط احکام را از منابع اصلی با رویکردی حکومتی و تطبیق آن در مقام حکم را دارا است و علاوه بر این دارای عدالت و تدبیر سیاسی در مقام اجرا است.

ترسیم این معنی از فقیه متناسب با وظایفی است که ائمه اطهار برای فقها ترسیم نموده‌اند و آنان را به عنوان قلعه‌های مستحکم اسلام، وارث انبیا، امین و جانشین پیامبران، حجت از سوی ائمه، محل رجوع در جمیع حوادث، معرفی کرده‌اند (نراقی، ۱۴۱۷: ق: ۵۳۷).

۱،۳. دولت اسلامی

دولت در لغت از واژه «دَوْل» به معنای گردش و جابه‌جایی (احمدبن فارس، ۱۴۰۴: ق: ۲، ۳۱۵؛ قریشی، ۱۴۱۲: ق: ۳۷۸)، دست‌به‌دست شدن بوده که در گذر زمان به معنای سلطنت، خلافت و حکومت نیز کاربرد داشته است. مؤید این کاربرد نقل شیخ طوسی از امام رضا(ع) است که می‌فرماید: «إِذَا جَارَ السُّلْطَانُ هَانَتِ الدَّوْلَةُ»؛ زمانی که سلطان ظلم کند، حکومتش سست می‌شود (شیخ طوسی، ۱۴۱۴: ۷۹). در این روایت دولت به معنای حکومت استفاده شده است. به نظر می‌رسد وجه تسمیه حکومت به دولت جابه‌جایی قدرت از شخصی به شخص دیگر یا از قوم و گروهی به گروه دیگر باشد.

تعریف اصطلاحی دولت در بین صاحب‌نظران با ادبیات متفاوتی بیان شده است که وجه جامع و مشترک این تعاریف را می‌تواند در چهار عنصر جمعیت، سرزمین، حاکمیت و حکومت به عنوان مهم‌ترین عناصر تشکیل دولت یافت (عمید، ۱۴۲۱: ۱، ۷۰). دولت در اینجا تنها به معنای قوای سه‌گانه نیست؛ بلکه به معنای مجموعه اقتدار مشروع دارای حاکمیت است که شامل رهبری، قوه مجریه، مقننه، قضائیه و مسئولان کشوری می‌شود.

دولت دینی دست‌کم دارای سه معنی است: حکومت بر دین‌داران؛ حکومت قوانین دینی؛ حکومت قوانین دینی با نصب مجریان الهی. آنچه با استناد به آیات و متون دینی می‌تواند به عنوان دولت اسلامی تلقی شود، معنای سوم است (نوروزی، ۱۳۸۷: ۱۷۰). دولت اسلامی با توجه به مبانی اسلامی ساختارهای حکومت از جمله سیاست، اقتصاد، فرهنگ را طراحی می‌کند. مهم‌ترین خصیصه دولت اسلامی پیروی قوانین از مکتب اسلامی و تکیه بر قرآن و سنت در تقنین و اجرای قوانین است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۲، ۸۸) و اهداف خود را در رسیدن جامعه مسلمانان به اهداف الهی از جمله عدالت و مبارزه با فساد می‌داند. البته دولت اسلامی به معنای واقعی کلمه در زمان حکومت انسان کامل محقق می‌شود (خامنه‌ای: ۱۴ / ۹ / ۱۳۶۹).

۲. رسالت‌های سفیر

رسالت‌های سفیر طبق دستوراتی که کشور فرستنده اعلام می‌کند، به عنوان وظایف او تلقی می‌شود. موفقیت و کارآمدی سفرا با توجه به میزان فعالیت‌های آنها در این عرصه ارزیابی می‌شود. خدمات کنسولی در سطح وسیعی از آن همانند خدمات دولتی از جمله صدور گذرنامه و روادید، حل مسائل مهاجران، توریست‌ها و تبعیدشدگان، اقامت، ابلاغ اسناد قضایی از عهده سفارت‌خانه خارج است. آنچه سفیران متعهد به اجرای آن در کشور میزبان هستند عبارت از دفاع از حقوق شهروندان در مقابل دولت پذیرنده، انجام فعالیت‌های اقتصادی در راستای حمایت از کشور فرستنده، همچنین برگزاری نشست‌های مسؤولین به صورت تشریفاتی و دیدارهای دوجانبه و برقراری پیمان‌ها و معاهدات و توافقات دوجانبه را سفیران برعهده می‌گیرند (نوازی، ۱۳۹۴: ۱۳۵).

مهم‌ترین مسئولیت‌ها و رسالت‌های سفیر اجرای سیاست‌های ابلاغی از سوی دولت فرستنده است و مقام سفیر نماینده اصلی و رسمی از سوی بالاترین مقام اجرایی دولت فرستنده محسوب می‌شود و کلیه تعاملات سیاسی به منزله دولت فرستنده است.

۳. اهداف سیاست خارجی دولت اسلامی

اهداف و برنامه‌های دولت اسلامی در حیطه خارج از سرزمین اسلامی باید طبق موازین قرآن و سنت پایه‌ریزی شود. پی‌گیری این موازین ما را به اهداف کلی روابط سیاست خارجه رهنمون می‌سازد.

۳,۱. دعوت به توحید

توحید رکن ثابت و اصلی دین و دولت اسلامی و مهم‌ترین هدف سیاست خارجی می‌باشد. تأکید بر این امر از ابتدای دعوت پیامبر با استقرار در مدینه و ارسال نامه‌های مختلف برای پادشاهان جهان و ابلاغ سوره براءت توسط حضرت علی(ع) تا رویکرد امام خمینی در نامه معروف به گورباچوف قابل پیگیری است. قرآن مهم‌ترین هدف ارسال پیامبران را دعوت مردم به بندگی خدا ذکر می‌کند (اعبدوا الله: نحل، ۱۶:۳۶؛ اعراف، ۷: ۵۹ و ۶۵ و ۷۳ و ۸۵؛ هود، ۵۰:۱۱ و ۶۱ و ۸۴؛ عنکبوت، ۱۶:۲۹). لذا در صدر اهداف دولت اسلامی این مهم قرار می‌گیرد. امام خمینی در این خصوص می‌فرماید: «ما این واقعیت و حقیقت را در سیاست خارجی و بین‌الملل اسلامی مان بارها اعلام نموده‌ایم که درصدد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه جهان‌خواران بوده و هستیم» (امام خمینی، ۱۳۶۹: ۲۱، ۸۲).

ایشان در بخشی دیگر در خصوص هویت اسلامی در جهان و نقش دولت اسلامی در احیای این مهم می‌فرمایند: «جمهوری اسلامی ایران با تمام وجود برای احیای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه‌گذاری می‌کند؛ و دلیلی هم ندارد که مسلمانان جهان را به پیروی از اصول تصاحب قدرت در جهان دعوت نکند و جلو جاه‌طلبی و فزون‌طلبی صاحبان قدرت و پول و فریب را نگیرد. ما باید برای پیشبرد اهداف و منافع ملت محروم ایران برنامه‌ریزی کنیم. ما باید در ارتباط با مردم جهان و رسیدگی به مشکلات و مسائل مسلمانان و حمایت از مبارزان و گرسنگان و محرومان با تمام وجود تلاش نماییم؛ و این را باید از اصول سیاست خارجی خود بدانیم. ما اعلام می‌کنیم که جمهوری اسلامی ایران برای همیشه حامی و پناهگاه مسلمانان آزاده جهان است و کشور ایران به عنوان یک دژ نظامی و آسیب‌ناپذیر نیاز سربازان اسلام را تأمین و آنان را به مبانی عقیدتی و تربیتی اسلام و همچنین به اصول و روش‌های مبارزه علیه نظام‌های کفر و شرک آشنا می‌سازد» (همان، ۲۱: ۹۲).

۳،۲. عدالت

عدالت و رفتار عادلانه از جمله اهداف ارسال پیامبران در قرآن ذکر شده است (لیقوم الناس بالقسط، حدید ۲۵:۵۷) و شرط رفتار با غیرمسلمانان نیز عدالت ذکر شده است (تقسطوا لیهم، ممتحنه، ۶۰:۸). این مهم در قانون اساسی نیز ذکر شده است (اصل ۱۴، قانون اساسی ج.۱.ا.). توسعه عدالت در سطح جهانی و مبارزه با طاغوت و ظلم و استکبار جهانی یکی از مهم‌ترین اهداف دولت اسلامی است. امام خمینی در این زمینه تأکید می‌کند:

ما خود چارچوب جدیدی ساخته‌ایم که در آن عدل را ملاک دفاع و ظلم را ملاک حمله گرفته‌ایم. از هر عادل‌ی دفاع می‌کنیم و بر هر ظالمی می‌تازیم (امام خمینی، ۱۳۶۹: ۱۱، ۱۶۰).

ایشان در بخشی دیگر در خصوص سیاست‌های خارجی می‌فرمایند:

«ما طرفدار همه مظلومین در همه‌جا هستیم و میل داریم که مظلومین بر همه ستمگران غلبه کنند. ما روابط خاص اسلامی داریم که اسلام نه ظالم بود و نه زیر بار ظلم می‌رفت و ما هم می‌خواهیم این‌طور باشیم که نه ظلم کنیم، نه زیر بار ظلم برویم» (امام خمینی، ۱۳۶۹: ۱۹، ۹۵).

۳،۳. استقلال

استقلال به معنای نفی سلطه بیگانگان بر منابع و منافع کشور از جمله قوانین جمهوری اسلامی ایران است (اصل ۱۵۳، قانون اساسی ج.۱.ا.). قرآن در تأکید بر این امر می‌فرماید که مؤمنین کفار و اهل کتاب را به عنوان سرپرست انتخاب ننمایند (لا تتخذوا اولیاء: نساء، ۴:۱۴۴ و مانده، ۵: ۵۱). امام خمینی در وصیت‌نامه خویش تأکید می‌کند که وزارت خارجه باید در صدد نفی سلطه اجانب بر کشور باشد: «از هر امری که شائبه وابستگی با همه ابعادی که دارد به طور قاطع احتراز نماید؛ و باید بدانید که وابستگی در بعض امور هرچند ممکن است ظاهر فریبنده‌ای داشته باشد یا منفعت و فایده‌ای در حال داشته باشد، لکن در نتیجه، ریشه کشور را به تباهی خواهد کشید» (امام خمینی، ۱۳۶۹: ۲۱، ۴۲۸).

۴. راهبردها و راهکارهای اجرایی اهداف سیاست خارجی دولت اسلامی

تحقق این اهداف، راهبردهای کلانی را در سیاست خارجی همچون دعوت به توحید، تشکیل امت واحده، توسعه و تعمیق تفکر توحیدی، اظهار شعائر اسلامی، اقامه عدالت جهانی، نفی سلطه

و استکبارستیزی علیه کفار و ظالمین جهانی، حمایت از مسلمانان و مظلومین جهان، ایجاد امنیت و صلح پایدار، همزیستی مسالمت‌آمیز، پابندی به معاهدات و قراردادهای، تعامل و همکاری سازنده، حفظ استقلال و اقتدار ایجاب می‌کند. به‌کارگیری این راهبردها با راهکارهای مختلفی از جمله دیپلماسی فعال در معادلات جهانی، کنفرانس‌ها، همایش‌های علمی و سیاسی نخبگان جهانی، سازوکارهای اقتصادی، سیاسی، تبلیغاتی، نظامی قابل اجرا است.

قانون جمهوری اسلامی ایران وزارت خارجه را مسؤول اجرای سیاست‌های خارجی می‌داند (ماده ۱، قانون وظایف وزارت خارجه، مصوب ۲۸ / ۱ / ۱۳۶۴). در این قوانین تصریح شده است که وزارت خارجه باید اقدامات لازم و به‌موقع نسبت به وقایع بین‌المللی و به‌ویژه وقایع جهان اسلام داشته باشد (بند ۳، ماده ۲، همان).

همچنین وزارت خارجه باید اقدامات لازم جهت پی‌گیری دادخواهی مظلومان جهانی را همواره در برنامه خود داشته باشد. لذا در این خصوص بیان شده است وزارت امور خارجه باید موجبات حمایت از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفان بالأخص مسلمانان علیه مستکبران را در هر نقطه جهان بدون دخالت در امور ملت‌های دیگر براساس اهداف و سیاست‌های خارجی کشور با هماهنگی با سایر دستگاه‌های ذی‌ربط فراهم آورد (ماده ۴، همان). خصوص این حمایت‌ها در برنامه توسعه ناظر به تکلیف وزارت خارجه آمده است: پیگیری حمایت از حقوق مسلمانان و مستضعفان جهان به‌ویژه ملت مظلوم فلسطین در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی باید صورت بگیرد (بند ۴ بخش دوم ماده ۲۱۰، قانون برنامه توسعه، مصوب ۳۰ / ۱۰ / ۱۳۸۹).

وزارت امور خارجه علاوه بر این در ایجاد و گسترش منافع اقتصادی در جهان نیز مؤظف است و قانون در این باره بیان می‌دارد: وزارت امور خارجه مکلف است به‌منظور ایجاد زمینه‌های لازم برای عقد قراردادهای، عهدنامه‌ها، موافقت‌نامه‌ها و مقاوله‌نامه‌های دولت جمهوری اسلامی ایران با کشورهای جهان و سازمان‌های بین‌المللی اقدامات لازم را به عمل آورد (ماده ۵، قانون وظایف وزارت خارجه، مصوب ۲۸ / ۱ / ۱۳۶۴).

حیطه اختیارات وزارت خارجه در خارج از مرزهای ملی به قدری فراوان است که تنها نماینده رسمی دولت در خارج از مرزها وزارت خارجه است و در این خصوص قانون تصریح می‌کند: انجام امور مربوط به استملاک دولت جمهوری اسلامی ایران در کشورهای

خارجی از دیگر وظایف وزارت خارجه می‌باشد (بند ۱۷، ماده دوم، همان). علاوه بر اینکه در برخی موارد باید جهت تغییر فرایند سازمان‌های بین‌المللی برنامه ارائه نماید و تلاش و اقدام جهت تحقق نیز انجام دهد (بند ۳ و ۵، ماده بخش دوم، ماده ۲۱۰، قانون برنامه توسعه، مصوب ۳۰/۱۰/۱۳۸۹).

۵. ضرورت فقاقت در سفارت

دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی دولت اسلامی برعهده وزارت خارجه و سفیر در رأس این دستگاه متعهد به اجرای سیاست‌های دولت اسلامی در کشور پذیرنده است. همه شواهد و قرائن نشانگر این است که اساساً حضور فقیه در این منصب لازم و ضروری است.

۵.۱. تناسب حکم و موضوع

نماینده دولت اسلامی به صورت حکم اولی باید اعراف اشخاص به اسلام باشد و این حکم متناسب با موضوع نمایندگی دولت اسلامی استخراج می‌شود؛ به طوری که نماینده اصلی و رسمی هر ملت و عقیده‌ای باید آگاه‌ترین و پایبندترین افراد به آن عقیده باشد. ضرورت تناسب نمایندگی را می‌توان از سفیران الهی که برای هدایت جامعه از سوی خداوند متعال به سوی بشر فرستاده شده‌اند نیز دریافت نمود. رسولان الهی عالم‌ترین اشخاص و متعهدترین افراد زمان خود به دستورات الهی بوده‌اند. فلذا اطلاق رسول و فرستاده متناسب با حکمی که ابلاغ می‌شود، است. ضرورت عقلی حکم می‌کند که سفیر هر دولتی متناسب با موضوع کاری و رویکرد ایدئولوژیکی آن دولت باشد. حضرت علی(ع) در مورد خلافت حکومت اسلامی می‌فرماید:

إن أحقّ الناس بهذا الأمر أقواهم علیه و أعلمهم بأمرالله فیه: (نهج‌البلاغه: ۲۴۷، خطبه ۱۷۳). سزاوارترین افراد به جایگاه سرپرستی امت اسلامی کسی است که دارای بهترین تدبیر سیاسی و عالم‌ترین مردم به امر دین باشد.

به خوبی می‌توان یافت که تناسب حکومت‌داری اسلامی از عهده هر سیاست‌مداری ساخته نیست. فلذا فقاقت یکی از ارکان اصلی برای حکومت‌داری ذکر شده است. تطبیق این مسأله در خارج از مرزهای دولت اسلامی ما را با نماینده رسمی یعنی سفیر روبه‌رو می‌سازد و بیان می‌کند که نماینده اصلی و رسمی دولت اسلامی باید متناسب با اصل دولت اسلامی دارای قدرت مدیریت و علم اسلامی به صورت حداکثری باشد. درواقع دولت اسلامی برای صدور وجه

اسلامی بودن خود نیازمند افرادی است که اسلام را به خوبی شناخته و بتوانند آن را به بهترین نحو بیان کنند. هویت و ماهیت اسلامی بودن دولت بر تبیین آموزه‌ها و ارزش‌های اسلامی استوار است. نماینده یک دولت اسلامی باید خودش مظهر اسلام باشد.

آموزه‌های اسلامی فقیه را به عنوان مظهر اسلامی معرفی می‌کند. فقیه در امور بین‌الملل به صورت پیشینی برنامه‌ریزی می‌کند و ساختار طراحی شده به دست دشمن را مورد تغییر و دگرگونی قرار می‌دهد. در نتیجه در دام ضرورت و اضطراری که آن‌ها ساخته‌اند و ساختارهای فقهی را مورد لطمه قرار می‌دهند، گرفتار نمی‌شوند. توجه به ماهیت تعاملات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و پالایش فقهی آن‌ها و به دست آوردن خروجی فقهی و تناسب‌سنجی آن‌ها در راستای منافع دولت اسلامی از عهده کسی برمی‌آید که علاوه بر شناخت دقیق این مسائل با اصول و قواعد فقه اسلامی آشنایی عمیقی داشته باشد و این مهم برعهده فقیهان هر عصر قرار داده شده است. در واقع فقیه خود را در دوران غیبت متکفل رسالت اجرای دین در جامعه می‌بیند. لذا از ظرفیت‌های مختلف برای انجام این مهم استفاده می‌کند.

۵،۲. اقتضای بسط اسلامیت دولت اسلامی

مهم‌ترین هدف دولت اسلامی دعوت به اسلام و توحید است و اساساً دعوت به دین به عنوان یک امر مهم برعهده فقیه نهاده شده است و مشروعیت قرآنی برای تبلیغ اسلام با فقیه است. خداوند متعال در قرآن کریم با تحذیر دستور می‌دهد که عده‌ای از مؤمنین مهاجرت نموده و دین را آموخته و با فهم عمیق دین به سوی قوم خود بازگشت نمایند و در بین آن‌ها تبلیغ و تحذیر نمایند (توبه، ۹: ۲۲). سفیر فقیه در راستای تحقق این امر با رویکردهای متفاوتی با توجه به زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و قومیتی برخورد می‌کند. تعامل در عین عدم وابستگی، تعایش در عین تأثیرگذاری، گفت‌وگو و مباحثه در عین توان علمی و برخورد مناسب از جمله ویژگی‌های فقیهانه سفیر در تحقق اهداف اسلامی است. سفیر فقیه اقتضای بسط اسلامیت دولت اسلامی است.

تفاوت اصلی دولت اسلامی با سایر دولت‌های جهانی که بر پایه جدایی دین از سیاست بنیان نهاده شده‌اند، می‌تواند عامل اصلی در تغییر نمایندگان سیاسی دولت اسلامی شود که از افرادی برای نمایندگی استفاده نماید که مظهر ابلاغ و اجرای دین هستند. سفیر دولت اسلامی باید با

رویکردی فراتر از آنچه همه سفرا در دستورالعمل اداری خود انجام می‌دهند، اعزام شود و همیشه مراقب منافع اسلام و مسلمانان در دیگر کشورها باشد. سفیر دولت اسلامی به دنبال محقق کردن اهداف خاصی در کشور مقصد است که علاوه بر توان مدیریتی و تعهدات کارگزار دولت اسلامی باید از مدیریت فقهی برخوردار باشد تا بتواند بهترین تصمیمات و تعاملات سازنده را برای دولت اسلامی به ارمغان بیاورد.

تأکید بر وجه اسلامی بودن سفیران و مسئولین وزارت خارجه نشانگر از رویکرد اسلامی بودن این منصب در مواجهه با دیگران است. حضرت امام خطاب به سفیران جمهوری اسلامی ایران می‌فرمایند: «باید توجه داشته باشید که شما سفیر مملکت اسلامی هستید که از همه این قدرت‌ها، قدرتش بالاتر است؛ و از همه «شریف‌ها» - اگر آن‌ها شرافتی داشته باشند - شرافتش بالاتر است؛ و شما باید حیثیت خودتان را از اول حفظ کنید» (امام خمینی، ۱۳۶۹: ۱۳، ۴۸۶).

۶. تبیین ضرورت فقاہت در مناصب سیاسی خطیر

اجتهاد و فقاہت در برخی مناصب سیاسی حکومت ضروری است. ملاک این امر با توجه به سطح دسترسی و اختیارات آن منصب سیاسی است. تسلط بر اموال و انفس مسلمین جایگاهی است که غیر از فقیه مشروعیت تصدی آن را ندارد. نمونه‌های بارز این حکم کلی را می‌توان در باب قضاوت (شیخ انصاری، ۱۴۱۵ ق: ۳۸) و افتاء (فللعوام ان یقلدوه: طبرسی، ۱۴۰۳ ق: ۲، ۴۵۸) و مصداق کامل آن را در ولایت فقیه در رهبری جامعه اسلامی (امام خمینی، ۱۴۲۱ ق: ۲، ۶۲۷) مشاهده نمود. حکمت و فلسفه این مسأله به دو امر رجوع می‌کند: حکم و تصرف در اموال و انفس مسلمین باید طبق احکام شرع صورت بگیرد و عالم‌ترین افراد به حکم شرع و عادل‌ترین مردم، فقیه است. ثانیاً سنجش مصلحت اسلام و مسلمین باید در چارچوب قوانین اسلامی صورت بگیرد و اعمال این مصلحت به تشخیص فقیه سپرده شده است (نجفی، ۱۳۵۹ ق: ۱، ۱، ۴۰).

سفیر به عنوان بالاترین نماینده دولت اسلامی در حوزه خارج از سرزمینی با مسائلی مواجه می‌شود که نیازمند تصمیم‌گیری و اعلان نظر دقیق و قطعی و فوری است (بند ۳، ماده ۲، قانون وظایف وزارت امور خارجه ج.۱، مصوب ۱۳۶۴/۱/۲۸). این منصب در بسیاری موارد مستلزم ورود به حیطه شخصی مسلمانان و شهروندان دولت اسلامی از قبیل مالی و جانی است (بند ۶ و

۱۳، ماده ۲، همان). جایگاه نماینده دولت اسلامی برای حفظ منافع دولت اسلامی در خارج از مرزها مستلزم فهم مصالح دولت اسلامی است که این امر با فقاہت همبستگی دائمی دارد؛ زیرا مرجع تشخیص مصلحت جامعه مسلمین فقیه جامع‌الشرایط است مثل قراردادهای تجارتي و غیره با دولت‌های خارجی چنانچه به مصلحت اسلام و کشور باشد، جایز است و اگر در مقطعی از زمان و تحت شرایط خاصی موجب ضرر به اسلام و یا کشور مسلمانان شد، ممنوع خواهد بود (ماده ۵، همان).

تصمیم‌های سفیر در کشور بر عزت کشورهای اسلامی می‌افزاید و سبب اعتلای کلمه حق می‌شود که تلاش برای این مهم از جانب عالم متقی که کفایت سیاسی دارد، صورت می‌گیرد. در واقع سفیر دولت اسلامی دارای نوعی حکومت در محدوده دولت پذیرنده است و مسؤول کلیه اقدامات و فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی دولت اسلامی است (ماده ۹، همان).

پیچیدگی‌های امروز روابط جهانی و وجود متغیرهای گوناگون و تأثیر بازیگران غیردولتی تصمیم‌گیری‌های جهانی را با چالش‌های جدی روبه‌رو ساخته است (قوامی، ۱۳۷۰: ۱۳) به طوری که تشخیص منافع دولت اسلامی را در ظرفیت‌های مختلف تغییر می‌دهد و تشخیص هرکدام از آنها نیاز به کارشناسی جدی دارد؛ اما در این بین سرعت تصمیم‌گیری به قدری مهم است که کندی در آن سبب فرصت‌سوزی می‌شود. از این رو لازم است که نماینده دولت اسلامی با در نظر گرفتن مقتضیات اسلام و شناخت ظرفیت‌ها بهترین تصمیم‌گیری را برای ارتقا و پیشرفت و توسعه دولت اسلامی انجام دهد و این مهم با شناخت دقیق احکام اسلامی و مدیریت منابع صورت می‌گیرد که اصولاً در دو حیطة (موضوع و حکم) نیاز به فقاہت دارد. ضرورت فقاہت در موضوع به ضرورت فقاہت در حکم بازگشت می‌کند و موضوع‌شناسی در سیستم‌ها و نظام‌های پیچیده بعد حکم‌شناسی است.

ضرورت رجوع به فقیه در حوادث مستحدث صرفاً برای پرسش از حکم آنها نیست؛ بلکه رجوع به فقیه و مرجعیت آن در این مسائل مورد تأکید بوده است (امام خمینی، ۱۴۲۱ ق: ۲، ۶۳۶). لذا می‌طلبند افرادی که در این مناصب قرار می‌گیرند، فقیه باشند. علاوه بر این مهم، سیاست خارجی و روابط بین‌الملل محل فتنه‌های دشمنان خارجی است که مقابله با آنها کاری دشوار است. در نتیجه کارگزاران این مناصب باید از تقوا کاری و اجتناب از منفعت‌ورزی شخصی و

تطمیع و فریب خوردگی قرار بگیرند. تحقق این امر گاهی با نظارت شدید و کنترل خارجی است و گاهی با فرستادن افرادی که نسبت به بقیه افراد از تقوای کاری برخوردار هستند و شناخت واضحی نسبت به دین و ماهیت کشورهای غیراسلامی دارند، محقق می‌شود. حضرت امام در بخشی از صحبت‌ها فقیه را به عنوان کسی که تطمیع و تهدید دشمنان مانع از رفتار صحیح او نمی‌شود، معرفی می‌کند: «آنچه مربوط به نظارت و اداره عالی کشور و بسط عدالت بین مردم و برقراری روابط عادلانه میان مردم می‌باشد، همان است که فقیه تحصیل کرده است. آنچه برای حفظ آزادی ملی و استقلال لازم است، همان است که فقیه دارد. این فقیه است که زیر بار دیگران و تحت نفوذ اجانب نمی‌رود؛ و تا پای جان از حقوق ملت و از آزادی و استقلال و تمامیت ارضی وطن اسلام دفاع می‌کند. فقیه است که به چپ و راست انحراف پیدا نمی‌کند» (امام خمینی، ۱۴۲۳ ق: ۱۳۸).

۷. سیره ائمه (ع) در فرستادن نمایندگان و وكلا

کارگزاران دولت علوی شامل بخش‌های متفاوتی از جمله استانداران، فرماندهان، کارگزاران بیت‌المال، گردآوران صدقات، بازرسان، قضات، کاتبان و درباریان است. در این بین نام اشخاصی که مصداق عالم متقی دینی دارای کفایت سیاسی هستند به چشم می‌خورد.

حارث بن ربیع ابوقتاده انصاری والی حضرت علی (ع) در مکه که شیخ طوسی ایشان را از اصحاب امام علی و پیامبر اکرم (ص) ذکر کرده‌اند (شیخ طوسی، ۱۳۷۳: ۳۵). سهل بن حنیف و اهب انصاری والی حضرت در مدینه از اصحاب جلیل‌القدر پیامبر و جزء شرطه الخمیس امام علی (ع) هستند و امام صادق (ع) در مورد ایشان فرموده‌اند محبت ایشان به جهت ثبات ایمانی و دینی که بعد از پیامبر تغییر نکرد، واجب است (شیخ صدوق، ۱۳۶۲: ۲، ۶۰۷). عبیده سلمانی کارگزار حضرت در فرات بود و از لحاظ علمی به عنوان فقیه و از بزرگان تابعین و اصحاب امیرالمؤمنین از ایشان یاد می‌شود (ذاکری، ۱۳۷۵: ۱، ۲۳۲؛ برقی، ۱۳۸۳ ق: ۵). کمیل بن زیاد نخعی فرماندار هیت، که از اصحاب سر امیرالمؤمنین بودند (ذاکری، ۱۳۷۵: ۱، ۳۰۲؛ خویی، ۱۳۶۹: ۱۴، ۱۲۸ و ۱۲۹). مالک اشتر کارگزار مصر و جزیره و نصیبین که حضرت در مورد ایشان می‌فرماید: خداوند مالک را رحمت کند. او برای من چنان بود که من برای رسول خدا بودم (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۳۰، ۴۵۳). سلیمان سرد خزاعی کارگزار جبل و جزء تابعین و رؤسای شیعه

محسوب می‌شد (خویی، ۱۳۶۹: ۸، ۲۷۱). محمد بن ابی‌بکر استاندار مصر که از مخلصین و برترین یاران حضرت هستند (خویی، ۱۳۶۹: ۱۴، ۲۳۰) عبدالله بن عباس والی بصره فقیه و معلم تفسیر و جزء برترین یاران امام علی(ع) که در مورد ایشان می‌توان گفت ابتکاراتی که ایشان به جهت فقاقت خود در حکومت‌داری به کار بسته است، دیگران نداشته‌اند (ذاکری، ۱۳۷۵: ۲، ۳۴۸ و ۳۴۹ و ۳۷۵). از جمله این اقدامات می‌توان به مخالفت با انحرافات و بدعت‌هایی که قبل از ایشان بنا نهاده شده بود، اشاره کرد. ابوالاسود دؤلی استاندار بصره و جزء عالمان قرآن و موالیان حضرت علی(ع) بودند.

افرادی که حضرت علی(ع) برای نواحی مختلف به عنوان فرماندار منصوب کرده‌اند از علم دینی، تقوی و کفایت سیاسی برخوردار بوده‌اند. زیرا شرط فرمانروایی بر جامعه اسلامی دارای این سه خصوصیت می‌باشد. خصوصاً که شؤن امام جمعه نیز برعهده ایشان بوده است. البته جلوه و نماد عالم دین در زمان صدر اسلام لزوماً با عناصر فقاقتی که در عصر غیبت تثبیت می‌شود، تطابق کامل ندارد؛ بلکه در آن زمان نقل حدیث و شمرده شدن جزء اصحاب پیامبر نشانگر علمیت بوده است.

افرادی مثل ابوموسی اشعری بعد از ورود حضرت علی(ع) به کوفه عزل شدند (شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق: ۲۹۵) و زیاد بن ابیه کارگزار فارس تا زمان صلح امام حسن وفادار به امامت بوده‌اند و خطاهایش مورد تذکر شدید حضرت علی قرار می‌گرفت؛ ولی نهایتاً مورد فریب معاویه قرار گرفت و با نفرین امام حسن مریض و به درک واصل شد. اشعث بن قیس کارگزار آذربایجان در دوران عثمان نیز بعد از تحویل سریع اموال حکومتی عزل شد.

تسری از صفات کارگزاران بخش‌های داخلی حکومت به سیاست خارجی امری مبتنی بر تشابه این دو امر در حیطه وسیع اختیارات است. به طوری که در مورد برخی کارگزاران، حضرت به مسلمانان دستور می‌داد که حرف‌های او را بشنوید و اطاعت کنید (سید رضی، ۱۴۱۴: ۳۱۸) و از آن‌جا که در منطق حضرت سزاوارترین افراد به سرپرستی کسی است که تدبیر سیاسی قوی و عالمیت به حکم خدا داشته باشد (رجوع به ص ۷) در نتیجه، فقیه سیاست‌مدار، مطلوب فرمانروایی قرار می‌گیرد. تشابه مخاطبین نواحی مختلف غیرمسلمان همانند **عکسگر** که اهل ذمه

بودند و حضرت علی(ع) قدامه بن عجلان را انتخاب نمودند (ذاکری، ۱۳۷۵: ۱، ۳۲۶) نیز می‌تواند عامل دیگری در تسری این حکم باشد.

بیک‌ها و نامه‌رسان‌هایی که در زمان پیامبر و امیرالمؤمنین وظیفه ابلاغ نامه، پیام یا تحویل اشیاء را برعهده داشتند، دارای این بسط اختیار که امروزه در سفرا مشاهده می‌کنیم، نبودند. لذا می‌توان ماهیت نمایندگی دولت اسلامی با بیک و مأمور پست را جدا نظر گرفت.

دو قرن وکلای ائمه که از موثق‌ترین افراد و عالمان جهت مدیریت امور شیعیان به مناطق مختلف انتخاب می‌شدند، نقش بسزایی در گسترش و حفظ تشیع برعهده داشتند. البته عناوینی همچون تجارت، زراعت، روغن‌فروشی، پارچه‌فروشی به علت خفقان شدید حکومت عباسی و تقیه بوده و نباید سبب وهم عدم علمیت این افراد شود.

گسترده‌گی قلمرو، حیطة وسیع اختیارات (کلینی، ۱۴۰۷: ۱، ۳۳۰) و اهمیت مسئولیت سیاسی - اجتماعی وکلا در جلوگیری از انحرافات و معرفی ائمه (مسعودی، ۱۳۸۴: ۲۱۴)، بیان حلال و حرام (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ۱، ۹۳؛ کشی، ۱۳۴۸: ۴۲۲؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۸۷)، مناظره و پاسخگویی به سؤالات (کشی، ۱۳۴۸: ۲۷۵)، رسیدگی به موقوفات، دریافت و ارسال وجوهات و تصرفات مالی به جهت اصلاح امور شیعیان صفات خاصی علاوه بر علمیت و وثاقت همچون کفایت، درایت، احتیاط و رازداری را برای این افراد ترسیم می‌کند. این مسأله در سفرای دوران غیبت صغرا از اهمیت بیشتری برخوردار است (جباری، ۱۳۸۲: ۱، ۳۲۳ و ۳۹۲ و ۴۴۰).

سرآمدترین این وکلا عبارتند از: مفضل بن عمر جعفری در مدینه، هشام بن ابراهیم عباسی در مدینه، عبدالرحمان بن حجاج در عراق، ابراهیم بن محمد همدانی و زکریا بن آدم در قم، عبدالله بن جندب بجلی، علی بن مهزیار و ابراهیم مهزیار در بصره و اهواز، حسن بن راشد ابوعلی در بغداد، مدائن و کوفه، محمد بن جعفر الکوفی الاسدی در ری و شرق ایران، عثمان بن سعید عمری در سامرا حمران بن اعین در شام. دانش دینی و شمرده شدن از راویان حدیثی که به عنوان یک شاخص در فقاہت روات مطرح است، در این افراد تثبیت شده است و حتی دستیاران ایشان و وکلای عادی نیز همانند احمد بن اسحاق اشعری، علی بن یقظین، محمد بن احمد بن جعفر قمی، محمد بن سنان، حمران بن اعین، از راویان حدیث در عصر خویش بوده‌اند (کشی، ۱۳۴۸: ۵۳۵ و ۶۱۱؛ نجاشی، ۱۴۰۷: ۱۷۴؛ جباری، ۱۳۸۲: ۱، ۲۲۳ و ۲۲۵). فقها مسئولیت مسیر اصلی

وکالت را در دوان غیبت کبری برعهده دارند و از ایشان به عنوان حافظان دین، وارثان انبیا و حجت از سوی ائمه یاد می‌شود (نراقی، ۱۴۱۷ ق: ۵۳۷).

تسری حکم وکلا به نمایندگان دولت اسلامی در فقاقت، وثاقت و مدیریت مبتنی بر دو امر مهم می‌باشد و تفاوت سیاست داخلی و خارجی چالشی را در این موضوع ایجاد نمی‌کند. اولاً ضرورت عقلی در نمایندگی دولت اسلامی که منتهی به شایسته‌ترین و نزدیک‌ترین افراد به اسلام که در فقیه عادل جامع شرایط ظهور دارد، در این موضوع می‌توان به نمایندگی امام علی در ابلاغ سوره براءت به مشرکین مکه اشاره نمود و ثانیاً حیطة اختیاراتی است که تصرف در آن‌ها نیاز به فقاقت موضوعی و حکمی در مسأله دارد و از عهده غیرعالمان دینی بر نمی‌آید.

جنبش‌ها و انقلاب‌هایی که در طول تاریخ حیات ائمه با هدف قیام علیه ظالمین زمان و احیای حکومت علوی و تأیید حضرات معصومین (ع) بوده نیز از جانب فقها و عالمان به زمان رخ داده است. از جمله این قیام‌ها می‌توان به قیام زید بن علی، یحیی بن زید، حجر بن عدی و سلیمان بن صرد، شهید فخر، شهید جوزان، شهید باخمره، محمد بن عروه، حسن بن زید، محمد بن محمد بن جعفر، حریر بن عبدالله اشاره نمود (مدرسی، ۱۳۷۸).

۸. تأیید تاریخی صیانت فقها از منافع مسلمین در برابر بیگانگان

سفیر دولت اسلامی وظیفه دارد از شهروندان و منافع دولت اسلامی حمایت نماید و در طول تاریخ شیعه می‌بینیم که فقها خود را مسؤول حفاظت از سرمایه‌های جامعه اسلامی می‌دانستند و در این خصوص تلاش‌های فراوانی را نیز انجام داده‌اند. این تلاش‌ها را می‌توان در ابعاد مختلفی دسته‌بندی نمود. از جمله می‌توان در ابعاد نظامی به فتوای میرزا مسیح مجتهد تهرانی در جنگ علیه روس و مقابله آقا نجفی اصفهانی و شیخ فضل‌الله نوری و شهید مدرس در مقابله با نفوذ انگلیس و روس اشاره نمود. در ابعاد اقتصادی به مخالفت ملاعلی کنی با قرارداد رویترز و نهضت تنباکوی میرزای شیرازی و مبارزات آیه‌الله کاشانی و خوانساری در ملی شدن نفت نیز اشاره نمود. در ابعاد کلامی و اعتقادی به مبارزات علمی علیه مسیحیت توسط سید احمد علوی عاملی، علی‌قلی جدیدالاسلام، میرزای قمی و ملا احمد نراقی که به نقد کتب ضاله و مباحثات مختلفی با کشیشان مسیحی داشتند، توجه نمود. علاوه بر اینکه آیه‌الله بروجردی، سید ابوالحسن طالقانی و فدائیان اسلام به رهبری نواب نیز به مقابله با بهائیان اشتغال داشتند. در ابعاد فرهنگی و نقد

اومانيسم و مظاهر غربی که از اواخر دوره قاجار وارد کشور شد و مظاهر فریبندگی خود را گسترش می‌داد، می‌توان به نقد نامه شیخ الشریعه اصفهانی به ولستن و بیانات کاشف‌الغطا در نقد غرب و بیانات سلطان‌الواعظین در تسلط انگلیس بر هند اشاره کرد (ره‌دار، ۱۳۹۲؛ ابوطالبی، ۱۳۹۵). این موارد فقط از باب مثال بود و البته مثال‌های فراوان دیگری در طول تاریخ از این صیانت‌ها موجود است. نتیجه‌ای که از این رویکرد می‌توان به دست آورد، در گزینش سیاسی کارگزاران ارشد دولت اسلامی در مواجهه با بیگانگان باید فقها در صدر باشند تا با احاطه علمی و تقوای عملی و کفایت سیاسی مانع از فتنه و استعمار جامعه و دولت اسلامی شوند.

۹. بررسی نظریه بدیل و چالش وحدت رویه

نظریه تقلیل‌گرایی مبتنی بر کفایت حداقلی دانش اسلامی در مقابل نظریه فقاقت سفیر که مبتنی بر دانش و التزام حداکثری به اسلام است، مطرح می‌شود. اگرچه می‌توان برای این نظریه نیز مزیت‌هایی از اطاعت‌پذیری، عدم دخالت سلاطین، رجوع مستمر در مواردی که حکمی ابلاغ نشده به حکومت مرکزی و جلوگیری از مصلحت‌ورزی و هماهنگی بیشتر با مرکز که سبب وحدت رویه می‌شود، نام برد؛ ولی هیچ‌کدام از این موارد نمی‌تواند برتری و ارجحیتی برای غیرفقیه بر فقیه در امر سفارت ایجاد نماید.

زیست اسلامی جامعه که فقه عهده‌دار آن است و تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور می‌باشد، توسط فقیه صورت می‌گیرد (خمینی، ۱۳۶۹: ۲۱، ۲۸۹). این مسأله در بعد سیاست خارجی دولت اسلامی متبلور در سفیر است که مؤظف به اجرای سیاست‌های دولت اسلامی در کشورهای دیگر می‌باشد. فقیه در مقام اجرا توجه به عناصری دارد که مقلد متوجه آن‌ها نیست. توجه به این عناصر پیوسته سبب پیشبرد و قرب به اهداف می‌شود. از جمله این عناصر که سبب تغییر در حکم و گاهی دخالت در موضوع می‌شود، زمان و مکان است. تضاد حکمی موضوعات متنوع خصوصاً در سیاست خارجی امری است که رفع آن برعهده کارشناسان خبره به موضوع و حکم پدید می‌آید. مشروعیت تصمیم فوری و توجه به ابعاد مختلف سیاسی - اجتماعی که در قالب فتوا واحد نمی‌گنجد، مزیتی است که فقیه همواره دارا است. سازمان دادن امور و حل مسائل مبتنی بر فقه و عدم تأثیر از عرف بین‌الملل مسأله‌ای است که فقیه گزینه اصلی در اجرای آن است.

چالش عدم وحدت رویه در ایده سفیر فقیه به دو صورت قابل حل می‌باشد که پایبندی فقها به اصول و اهداف اسلامی در موضوعات پیچیده نشانگر چارچوبی برای این وحدت رویه است. روش دوم مزیت نسبی کارگزار فقیه نسبت به کارگزار غیرفقیه است که در سنجش کارآمدی سفیر دولت اسلامی گزینه اول برتری می‌یابد. علاوه بر اینکه کثرت و پیچیدگی مسائل بین‌المللی عدم التزام به وحدت رویه در ساحات جهانی را نشان می‌دهد، به طوری که روابط دولت اسلامی با دول دیگر به صورت یکسان و مساوی نیست. رفتار با کشورهای مسلمان مبتنی بر برادری و وحدت اسلامی و پاک‌سازی از عناصر استعمار و استکبار صورت می‌گیرد. رفتار با کشورهای غیرمتخاصم علاوه بر پایبندی به قراردادهای جهت تألیف قلوب و هماهنگی برای استکبارزدایی و استعمارزدایی صورت می‌گیرد.

تصور این موضوع که دشمن در صحنه جهانی درصدد برکناری و به حاشیه خواندن دین است، انتخاب سفرایی که متناسب با اسلام حداکثری نیستند، معطوف شدن و تأثیر گرفتن از این برنامه است. در این خصوص می‌توان به بیانات حضرت امام خمینی توجه نمود که هدف اصلی دشمن را نابودی دین در صحنه جهان می‌داند. ایشان در ضمن اشاره به مسأله سلمان رشدی می‌فرمایند:

تعمد جهان‌خواران به نابودی اسلام و مسلمین است و ترس من این است که تحلیلگران امروز، ده سال دیگر بر کرسی قضاوت بنشینند و بگویند که باید دید فتوای اسلامی و حکم اعدام سلمان رشدی مطابق اصول و قوانین دیپلماسی بوده است یا خیر؟ خلاصه کلام اینکه ما باید بدون توجه به غرب حیل‌گر و شرق متجاوز و فارغ از دیپلماسی حاکم بر جهان درصدد تحقق فقه عملی اسلام برآیم و الا مادامی که فقه در کتاب‌ها و سینه علما مستور بماند، ضرری متوجه جهان‌خواران نیست و روحانیت تا در همه مسائل و مشکلات حضور فعال نداشته باشند، نمی‌توانند درک کنند که اجتهاد مصطلح برای اداره جامعه کافی نیست. حوزه‌ها و روحانیت باید نبض تفکر و نیاز آینده جامعه را همیشه در دست خود داشته باشند و همواره چند قدم جلوتر از حوادث، مهبای عکس‌العمل مناسب باشند. چه بسا شیوه‌های رایج اداره امور مردم در سال‌های آینده تغییر کند و جوامع بشری برای حل مشکلات خود به مسائل جدید اسلام نیاز پیدا کنند. علمای بزرگوار اسلام از هم‌اکنون باید برای این موضوع فکری کنند (خمینی، ۱۳۶۹: ۲۱، ۲۹۲).

حضرت امام در این بیان ضمن تأکید بر هدف اصلی دشمنان و استکبار جهانی بر نابودی دین و وظیفه اصلی مقابله را بر دوش فقها و حوزه علمیه می‌داند و روش آن را رویکردی فقهی مبتنی بر اجتهاد حکومتی قرار می‌دهند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

نظریه سفیر فقیه مبتنی بر رویکرد حداکثری فقه در اداره امور زندگی خواستار برنامه‌ریزی فقهی در اساس سیاست خارجی دولت اسلامی است. بنیان این مسأله تناسب دولت اسلامی با نمایندگانی از جنس اسلام می‌باشد. ضرورت آشنایی حداکثری سفرا با اسلام را در جهانی که همت دشمن بر نابودی اسلام است، بیش از پیش نمایان می‌کند. توقف تحقق اهداف دولت اسلامی که فراملی بنا نهاده شده است، نمایندگانی خاص را که فقاقت عنصر اصل‌شان می‌باشد، ترسیم می‌کند. حیطة وسیع اختیارات سفرا و نمایندگان دولت اسلامی می‌طلبد، کسانی که از جانب شرع مأذون در تصرف اموال مسلمانان جهت اداره امور ایشان هستند، انتخاب شوند. نمونه‌ای از این انتصابات را می‌توان در سیره علوی و وکلای ائمه یافت. علاوه بر این که در تجربه تاریخی فقها پرچم‌داران صیانت از سرمایه‌های مسلمانان بوده‌اند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۹۵)، *کمال الدین و تمام النعمه*، چاپ دوم، تهران: چاپ مؤسسه الاسلامیه.
- ابن فراء، (۱۳۶۳)، *رسل الملوک، سفیران، سفارت در اسلام و سفارت در غرب*، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- ابن منظور، ابوالفضل، جمال‌الدین، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، *لسان العرب*، بیروت: دارالفکر.
- ابوالحسین احمد بن فارس بن زکریا، (۱۴۰۴)، *معجم مقانیس اللغة*، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
- ابوطالبی، مهدی، (۱۳۹۵)، *عالمان شیعه و صیانت از سرمایه‌های ملی*، تهران: کانون اندیشه جوان.
- اصفهان‌نی، حسین بن محمد راغب، (۱۴۱۲)، *مفردات ألفاظ القرآن*، سوریه: دارالعلم - الدار الشامیه.
- برقی، ابوجعفر، احمد بن محمد بن خالد، (۱۳۷۱)، *المحاسن*، چاپ دوم، قم: دارالکتب الإسلامیه.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد، (۱۳۸۳)، *طبقات الرجال*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- پورامینی، (۱۳۹۳) محمدحسین، *اسلام و حقوق دیپلماتیک*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).
- جباری، محمدرضا، (۱۳۸۲)، *سازمان و کالت و نقش آن در عصر ائمه (ع)*، قم: مؤسسه امام خمینی (ره).
- حلی، سید ابن طاووس، (۱۴۱۵)، *الإقبال بالأعمال الحسنة*، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
- حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مظهر اسدی، (۱۴۱۴)، *تذکره الفقهاء*، قم: مؤسسه آل‌البتیت علیهم‌السلام.
- خمینی، سید روح‌الله موسوی، (۱۴۲۱)، *کتاب الیوم*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (قدس سره).
- _____، (۱۳۶۹)، *صحیفه نور*، چاپ دوم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (قدس سره).
- _____، (۱۴۲۳)، *ولایت فقیه*، چاپ دوازدهم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (قدس سره).
- خویی، سید ابوالقاسم موسوی، (۱۳۶۹)، *معجم رجال الحدیث*، قم: مرکز نشر آثار شیعه.
- دزفولی، مرتضی بن محمدامین انصاری، (۱۴۱۵)، *القضاء و الشهادات*، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ انصاری.
- دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۷۳)، *لغت‌نامه دهخدا*، تهران: دانشگاه تهران.
- ذاکری، علی‌اکبر، (۱۳۷۵)، *سیمای کارگزاران علی بن ابی‌طالب امیرالمؤمنین (ع)*، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- رهدار، احمد، (۱۳۹۰)، *غرب‌شناسی علمای شیعه در تجربه ایران معاصر*، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- زنجانی، عباس‌علی عمید (۱۴۲۱)، *فقه سیاسی*، چهارم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- سید رضی، محمد، (۱۴۱۴ ق)، *نهج‌البلاغه*، قم: مؤسسه نهج‌البلاغه.
- صدر، سید جواد، نوازی، بهرام، یاری، مریم، (۱۳۹۴)، *نکات برگزیده حقوق دیپلماسی و کنسولی*، تهران: کتاب‌راه.
- طبرسی، احمد بن علی، (۱۴۰۳)، *الاحتجاج*، قم: نشر مرتضی.
- طریحی، فخرالدین، (۱۴۱۶)، *معجم البحرین*، سید احمد حسینی، چاپ سوم، تهران: کتاب‌فروشی مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۷۳)، *رجال طوسی*، قم: مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، (۱۴۱۱)، *مصباح المتجهد*، بیروت: مؤسسه فقه‌الشیعه.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، (۱۴۱۴)، *الامالی*، (بخش تحقیقات اسلامی مؤسسه بعثت)، قم: دارالتقافه.

- عاملی، جمال‌الدین، حسن بن زین‌الدین، (۱۴۱۸)، *معالم الدین و ملاذ المجتهدین*، قم: مؤسسه الفقه للطباعه و النشر.
- عاملی، کرکی، علی بن حسین، (۱۴۱۴)، *جامع المقاصد فی شرح القواعد*، قم: مؤسسه آل‌البتیت علیهم‌السلام.
- عاملی، حر، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، *تفصیل وسائل الشیعه*، قم: مؤسسه آل‌البتیت علیهم‌السلام.
- عسگری، حسن بن عبدالله، (۱۴۰۰)، *الفروق فی اللغة*، بیروت: دارالافتاء الجدیده.
- عمید، حسن، (۱۳۹۰)، *فرهنگ فارسی عمید*، چاپ دوم، تهران: اشجع.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰) *کتاب العین*، چاپ دوم، قم: نشر هجرت.
- فیروزآبادی، سید مرتضی، (۱۴۰۰)، *القواعد الفقهیه و الاجتهاد و التقليد (عنایه الأصول)*، قم: کتاب‌فروشی فیروزآبادی.
- فیومی، احمد بن محمد مقرئ، (۱۴۱۴)، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی*، قم: مؤسسه دارالهجره.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، مصوب ۲۸ / ۱ / ۱۳۶۴.
- قریشی، سید علی‌اکبر، (۱۴۱۲ ه ق)، *قاموس قرآن*، چاپ ششم، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- قوام، عبدالعلی، (۱۳۷۰)، *اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل*، تهران: انتشارات سمت.
- کشی، ابوعمر، محمد بن عمر بن عبدالعزیز، (۱۳۴۸)، *رجال الکشی*، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.
- کلینی، ابوجعفر، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷)، *الکافی*، (علی‌اکبر غفاری)، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- مامقانی، محمدحسن بن الملا عبدالله، (۱۳۱۶)، *غایه الآمال فی شرح کتاب المکاسب*، قم: مجمع الذخائر الإسلامیه.
- مدرسی، محمدتقی، (۱۳۷۸)، *امامان شیعه و جنبش‌های مکتبی*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
- مسعودی، علی بن حسین، (۱۳۸۴)، *اثبات الوصیه*، چاپ سوم، قم: انتشارات انصاریان.
- مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۹۱)، *نظریه سیاسی اسلام*، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- معین، محمد، (۱۳۵۶)، *فرهنگ معین*، تهران: امیرکبیر.
- مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳)، *الامالی*، (استاد حسین ولی و علی‌اکبر غفاری)، قم: کنگره شیخ مفید.
- _____، (۱۴۱۳)، *الاختصاص*، (غفاری، علی‌اکبر و محرمی زرنندی، محمود)، قم: کنگره شیخ مفید.
- نجاشی، احمد بن علی، (۱۴۰۷)، *رجال النجاشی*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- نجفی، کاشف‌الغطاء، علی بن محمدرضا بن هادی، (۱۳۸۱)، *النور الساطع فی الفقه النافع*، نجف: مطبعه الآداب.
- نجفی، کاشف‌الغطاء، محمدحسین بن علی بن محمدرضا، (۱۳۵۹)، *تحریر المجله*، نجف: المکتبه المرتضویه.
- نجفی، محمدحسن، (۱۴۰۴)، *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- نراقی، مولی احمد (۱۴۱۷)، *عوائد الأيام*، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
- نوروزی، محمدجواد، (۱۳۸۷)، *نظام سیاسی اسلام*، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- واسطی، زبیدی، سید محمدمرتضی (۱۴۱۴)، *تاج العروس من جواهر القاموس*، (علی شیری) بیروت: دارالفکر.